



◀ جنگ دوم صعده

جنگ دوم از ۱۸ مارس ۲۰۰۵ تا ۴ آوریل ۲۰۰۵ ادامه یافت. جنگ با اعلام یک اعلامیه نادرست از سوی مقامات به رهبری علی عبدالله صالح در مورد «قتل آقای بدرالدین الحوثی» پایان یافت. به گفته آنان «پس از اینکه مسجدی را که معمولاً الحوثی در آن حضور داشت هدف گرفتند، عمامه و وسایلیش را پیدا کردند؛ بنابراین او کشته شده است» اما این اخبار درست نبود، آنان می‌خواستند روحیه انصارالله را تضعیف کنند.

جنگ دوم تمام شد و هیچ منطقه امنی نبود. مجاهدان از «نشور» به منطقه سفره نزدیک مرز عربستان و سپس به «نقاع» رفتند؛ منطقه‌ای که در اعماق آن غارها و کوه‌های اطراف است. انصارالله با سید بدرالدین الحوثی در آنجا جمع شدند و آزار و اذیت مقامات را برای مدتی از خود دور کردند.

این توطئه‌ها نتوانست او را از گسترش علم و دانش منصرف کند، بلکه تلاش او به ادامه مسیر جهادی قرآنی به رهبری فرزندش سیدالحسین بن بدرالدین انجامید.

زمانی که فریاد بلند (مرگ بر آمریکا) و دعوت به تحریم کالاهای آمریکایی و صهیونیستی در تعدادی از مساجد و از طریق اعلامیه‌ها بلند شد و برخی در مشروعیت این اقدام تردید کردند، سید بدرالدین نخستین کسی بود که به دفاع از این گام برخاست.

وقتی ظالمان نتوانستند شعاردهندگان را ساکت کنند و وقتی نیروهای استکبار جهانی، آمریکا و اسرائیل متوجه خطر گسترش شعار و تداوم تکرار آن شدند، همگی تصمیم به راه‌اندازی نخستین جنگ ناعادلانه علیه صعده گرفتند. در اواسط سال ۲۰۰۴ میلادی جنگ نظامی خشونت‌آمیزی علیه حسین بدرالدین الحوثی به راه افتاد که با شهادت وی و تعداد زیادی از هم‌زمانانش پایان یافت.

استاد بدرالدین الحوثی در آن زمان به منطقه «نشور» کوچ کرده بود و در آن زمان نزدیک به ۸۰ سال داشت. در آن جنگ نیز بر اوضاع نظارت دقیق داشت و هر چه هزینه مالی، نصیحت، راهنمایی و دعا برای مجاهدان می‌توانست، فراهم می‌کرد.